

عنوان مقاله:

دایانویای اسطوره چیست؟ پژوهشی در ساحت مغفول نظریه اسطوره شناختی نورترپ فرای

محل انتشار:

مجله نقد و نظریه ادبی، دوره 2، شماره 1 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

مسعود آنگونه جونقانی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

فرای با الهام از نگرش های اسطوره شناختی کاسیرر و الیاده و با به کارگیری دیدگاه های فریزر و فروید و از سویی دیگر با پی گیری آرای منتقدان حلقه نقد نو به دیدگاهی ژرف در باب ساختار دوری و دیالکتیکی اسطوره نایل شد که به موجب آن شکل گیری اسطوره محصول دو سازوکار متفاوت به شمار می رود: گرایش اسطوره به نقل روایت در نظام دوری؛ و جهت گیری اسطوره به سمت ساختارهای کلامی خودایستا. فرای این سازوکار دوم را ذیل وجه مضمون مدار اسطوره بررسی می کند و معتقد است دایانویا یا معنا ساختار دیالکتیکی اسطوره است که از طریق پیکره بندی، در هم تنیدگی و امتزاج تصاویر شکل می گیرد. با این همه، در قریب به اتفاق پژوهش هایی که به موضع نظری فرای می پردازند مبحث دایانویا عمدتاً مغفول مانده است. به این ترتیب، هدف از انجام این پژوهش آن است که با استخدام روش توصیفی-تحلیلی مبانی نظری فرای را در این باره نقد و بررسی کند و ضمن توجه به خاستگاه های نظری وی، سازوکار درونی دایانویا نیز تحلیل شود. در این بررسی مشخص می شود که دایانویای اسطوره با وجوه هیروگلیفی، هیراتیکی و دموتیکی بیان متلازم است و گذار اسطوره به سوی رمانس، حماسه و نهایتاً تاریخ به واسطه عملکرد اصل جابه جایی ممکن می شود. در این گذار، اسطوره نامتبدل در نهایت به وجه واقع گرای ناتورالیستی روی می آورد و اسطوره اگرچه پوشیده و نهفته می ماند اما هرگز از میان نمی رود. بنابراین، به زعم فرای حتی آثاری که اساساً با رویکرد تاریخی نگاشته شده اند این قابلیت را دارند که از طریق قرائت اسطوره شناختی تجزیه و تحلیل شوند.

کلمات کلیدی:

اسطوره شناسی، ساختار دوری و دیالکتیکی اسطوره، میتوس، دایانویا، اصل جابه جایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1614930>

